

ناگفته‌های نهضت ملی صنعت نفت

گفت‌وگو با حسینیان

من معتقدم آنچه در ملی شدن صنعت نفت شهرت پیدا کرده، و تاریخ نویسان ملی گرا آن را شهرت دارند یا با اسناد و مدارک هم خوانی ندارد به همین جهت معتقدم باید پرونده نهضت ملی شدن صنعت نفت بار دیگر بازخوانی شود. در آستانه سالگرد ملی شدن صنعت نفت هستیم، معروف است که شما در مورد عوامل ملی شدن صنعت نفت سخن دیگری غیر از آنچه معروف است دارید؟ بله، من معتقدم آنچه در ملی شدن صنعت نفت شهرت پیدا کرده، و تاریخ نویسان ملی گرا آن را شهرت دارند یا با اسناد و مدارک هم خوانی ندارد به همین جهت معتقدم باید پرونده نهضت ملی شدن صنعت نفت بار دیگر بازخوانی شود.

ممکن است آنچه را در تحقیقات به آن رسیده‌اید و شفاف بیان کنید؟

تحقیقات من نشان می‌دهد طرح اندیشه‌ی ملی شدن صنعت نفت و سپس تبدیل آن به یک خواست عمومی و سپس بسیج توده‌های مردم توسط نیروهای مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی انجام گرفته است.

آیا اعتقاد شما این است که مصدق و جبهه‌ی ملی در ملی شدن صنعت نفت نقشی نداشته‌اند؟ در واقع ملی شدن صنعت یک فرایندی بود که از بعد از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین آغاز شد. می‌توانیم عوامل مهم ملی شدن صنعت نفت را در نقش طیفی از نیروهای مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی و طیف آرمانگرا را به رهبری فداییان اسلام از یک طرف نقش نمایندگان مجلس و نقش نیروهای ملی گرا تبیین کنیم که هر کدام از اینها در زمان خاصی نقشی را ایفا کردند که هیچ کدام تأثیری مانند نقش نیروهای مذهبی در حوزه‌ی زمانی گسترده نداشته‌اند.

ممکن است قدری واضح‌تر و نقش این سه عامل را تحلیل کنید؟

اجازه دهید ابتدا به نقش نمایندگان در مجلس شورای ملی بپردازم در این زمان نمایندگان از چند طیف تشکیل می‌شدند. نیروهای چپ گرا و طرفدار سیاست شوروی و به اصطلاح روس فیل‌ها و طیف دیگر از راست گرایان طرفدار انگلیس یا انگلوفیل‌ها این دو طیف در مجلس چهاردهم و پانزدهم فعال بودند. البته در مجلس پانزدهم یک اقلیت قدرت مند در اطراف سید حسین مکی تجمع کردند که نقش مهمی را در حوزه‌ی نفت ایفا کردند.

عمده‌ی فعالیت چپ گرایان و راست گرایان محدود کردن منافع قدرت‌های شوروی و انگلیس بود. به این معنا که راست گرایان سعی می‌کردند منافع شوروی را محدود یا مورد ضربه قرار دهند و چپ گرایان منافع انگلیس را مورد هدف قرار می‌دادند به همین جهت چند طرح در مجلس به تصویب رسید که حائز اهمیت است اولین طرح توسط مصدق تهیه شد. یعنی درست در زمانی که کافتارادزه معاون کمیساریای ملی امور خارجه برای مذاکره یک قرار داد نفتی دارد ایران شده بود، مصدق با یک طرح دولت از هر گونه مذاکره قانونی در مورد نفت منع کرد. این طرح در یازدهم آذر 1323 به تصویب مجلس رسید.

طرفداران شوروي که در مجلس از تصویب این طرح یک‌ه خورده بودند درست در فردي آن روز طرح لغو قرارداد 1312 نفتي با انگلیس را به مجلس پیشنهاد کردند. ولي مصدق با آن مخالفت کرد و اعلام نمود قرارداد چون طرفيني است نمي‌شود يك طرفه آن را لغو کرد.

چپ‌گرایان که از طرح این ماده واحد شکست خوردند در انتظار فرصت بودند تا مجدداً مسئله‌ي مقوله نام‌ي نفتي شوروي و احمد قوام در مجلس مطرح شد. این بار چپ‌گرایان توانستند از فضای موجود استفاده و در طرح رد مقوله نام‌ي بندي را اضافه کنند که ضربتي همانند به منافع انگلیس بود. در بند (ه) این طرح دولت موظف شد تا برای احقاق حق ایران از شرکت نفت جنوب اقداماتي را به عمل آورد.

بند(ه) سرانجام منجر به قرارداد الحاقی گس - گلشائیان شد. این قرارداد در پایان دوره‌ي مجلس 15 در مجلس مطرح شد، اما اقلیت مجلس پانزدهم با نطق‌هاي طولانی مانع از تصویب آن شدند. بعد از لایحه گس گلشائیان تمام هم و غم انگلیس، دربار و راست‌گرایان بر این شد که این قرارداد را به تصویب برسانند و به همین جهت مثلث قدرت دولت قدرتمند رزم‌آرا را سر کار آوردند تا این لایحه را تصویب کند و رزم‌آرا با تمام قدرت این مأموریت خود را آغاز کرد.

در مجموع نقش نمایندگان مجلس به ممنوعیت امتیاز نفت به شوروي و اصلاح قرارداد نفتي ایران انگلیس در ضمن لایحه‌ي گس - گلشائیان شد. باید اذعان کرد بحث‌ها ي نفتي در مجلس در مردم و جامعه اثر بسیار مثبت داشت.

از اینجا به بعد نقش نیروهاي مذهبي جدي‌تر و مؤثر مي‌شود و آیت‌الله کاشانی و روحانیون طیف وابسته به وي در بسیاری از جمعیت‌ها، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها اعیاد قربان و فطر شعار « نفت ایران برای ایرانی » را مطرح کرده بودند و آیت‌الله کاشانی به خاطر اطلاعیه‌اي که در همین زمینه صادر کرد به بهانه‌ي ترور شاه به لبنان تبعید شد. آیت‌الله در لبنان با ارسال نامه‌هاي سرگشاده بر شعار « نفت ایران برای ایرانی » پای می‌فشرد. وي در بازگشت پیروزمندانه‌ي خود در اولین سخنرانی، سخن از ملی کردن صنعت نفت به بیان آورد و در اولین بیانیه رسمی که توسط مصدق در مجلس قرائت گردید روی ملی شدن صنعت نفت اصرار کرد و قرارداد الحاقی گس گلشائیان را مردود شمرد.

مهم‌ترین واقعه‌اي که در این مقطع اتفاق افتاد انتخابات دوره‌ي شانزدهم مجلس بود که دربار به رهبری هژیر با دخالت در آن مانع شمارش آراء اعضای جبهه ملي مي‌شد.

در اینجا بود که نیروهاي آرمانگرای اسلامي وارد کارزار شدند و با دو عملیات سرنوشت ساز دو مانع عمده را بر طرف و موجب به قدرت رسیدن نیروهاي جبهه ملي گردیدند.

فداییان اسلام با ترور هژیر رژیم را وادار به عقب نشینی کردند و رژیم مجبور شد نتیجه‌ي انتخابات را مخدوش و باطل اعلام کند و با تجدید انتخابات اعضای جبهه ملي به مجلس راه یافتند.

دومین نقش مهم را باز فداییان اسلام ایفا کردند. بعد از اینکه نیروهاي مذهبي توده‌ها و بسیج کرده بودند به اعتقاد اعضای جبهه ملي و سایر مبارزین این رزم‌آرا تنها مانع ملی شدن صنعت نفت بود و فداییان اسلام قدرت مندترین مانع را از سر راه برداشتند و درست يك هفته بعد مجلس مجبور شد رأی به ملی شدن صنعت نفت صادر نماید.

پس روی این حساب نقش نیروهای مذهبی در عملیات فداییان اسلام و چند اطلاعیه ی آیت الله کاشانی خلاصه می شود؟

البته ممکن است يك طیفی از لحاظ کمی اقدامی ساده و قلیل انجام دهند، اما به خاطر نفوذ اینان در جامعه این کار کم، امواج وسیعی ایجاد کند. آیت الله کاشانی به دلیل مقبولیتی که بین عالمان بزرگ بلاد داشت، توانست مراجع محلی را به صحنه بکشد و آنان با حمایت از آیت الله و صدور بیانیه امواج مردمی ایجاد کردند. آیت الله خوانساری یکی از مراجع بزرگ آیت سید محمد روحانی و آیت الله شاهردي از قم، آیت الله بهاءالدین محلاتی از شیراز، آیت الله چهار سوقي از اصفهان، آیت الله حاج شیخ باقر رسولی از رشت، آیت الله حاج شیخ محمدرضا کلباسی از مشهد همچنین روحانیون مانند حاج سید حسین خادمی اصفهانی، حاج شیخ مرتضی مدرسین اردکانی، حاج سید مصطفی سیدالعراقین، حاج شیخ مهدی نجفی و فقیه سیزواری با صدور بیانیه ها، فتاوا و سخنرانی ها توانستند نیروهای مذهبی را بسیج کنند و هر روز تظاهراتی در شهرهای بزرگ ایران برای ملی شدن صنعت نفت بر پا کنند. جالب اینجاست که ترجیح بند همه ی فتواها و بیانیه ها حمایت از رهبری آیت الله کاشانی بود. آیت الله خوانساری در بیابان فتواییه خود افزودند: «با اینکه مثل حضرت مستطاب آیت الله کاشانی دامت برکاته که مجتهد عادل و با شهامت و دلسوز و فداکار برای مصالح دین و دنیای مردم، برای بیداری مردم تلاش می کند دیگر مجال عذری برای کسی نمی ماند» سایر آیات هم با همین لحن از رهبری آیت الله کاشانی حمایت کردند.

پس مصدق از چه وقتی به نهضت مردمی ملی شدن صنعت نفت پیوست؟

اسنادی که موجود است تا آذرماه 1329 که تقریباً ملی شدن صنعت نفت به يك خواست عمومی تبدیل شده بود، هیچ نشانی از موافقت مصدق با ملی شدن صنعت نفت در دست نیست. صورت مجلس دوره چهاردهم نشان میدهد که مصدق با ملی شدن صنعت نفت مخالفت کرده است و آن را قرار دادی طرفینی می داند که يك طرفه نمی شود فسخ کرد. در مجلس پانزدهم نیز نامه ی مصدق از احمد آباد به مجلس نشان می دهد که مصدق از ملی شدن صنعت نفت سخنی به بیان نمی آورد، بلکه متاسفانه با قرار داد استعماری گس - گلشایبان با مختصر اصلاحات که شیلینگ کاغذی به شیلینگ طلا تبدیل شود موافقت می کند.

در مجلس شانزدهم نیز فقط نطقی از مصدق ضبط شده است که صحبت از ملی شدن صنعت نفت دارد که آنهم مربوط به بیانیه آیت الله کاشانی است. آیت الله کاشانی بعد از بازگشت پیروزمندانه بیانیه ای صادر کرد و چون نماینده مجلس بود ولی در مجلس شرکت نمی کرد، بیانیه اش را به مصدق داد و مصدق در 29 خرداد در مجلس از طرف ایشان قرائت کرد.

حتی در صورت مذاکرات کمیسیون نفت که مصدق رئیس آن بود نیز صحبتی از مصدق که دلالت بر پیشنهاد ملی شدن نفت توسط او را داشته باشد، ضبط نشده است. برای اولین بار در مهرماه حائری زاده پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را داده است.

جالب این است که خود مصدق هم در خاطراتش پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را به فاطمی نسبت می دهد. هر چند این ادعا در جایی ضبط نشده در عین حال نشان می دهد که خود مصدق هم ادعایی ندارد.

علت این بود که اصولاً مصدق و اکثریت اعضای تشکیل دهند جبهه ملی هدفی ضد استعماری نداشتند، آنها در پی انتخاب آزاد بودند به همین جهت در آبان 1328 که تشکیل جبهه ملی را اعلام کردند هیچ اشاره ای به مبارزه بیرونی نداشتند و سخنی از استعمار به میان نیاوردند.

تنها سندی که درست است و نشان می دهد اعضای جبهه ملی و مصدق به دنبال ملی کردن صنعت نفت بودند سندی است که دلالت دارد جلسه ای در منزل حاج محمود نریمان با حضور آیت الله

کاشانی، شایگان، مکی، صالح، آزاد، بقایی و مصدق تشکیل شد پیشنهادی مطرح شد و به امضای آقایان رسید که نفت ملی شود، ولی مصدق در آن جلسه از امضا خودداری کرد. به گزارش حائری زاده در 29 اردیبهشت 1332 در مجلس شورای ملی، مصدق در آن جلسه مخالفت کرد و استدلال کرد اگر قرارداد 1933 رضا شاه را لغو کنیم قرارداد داری به فوت خود باقی می ماند. البته بعدها مصدق را راضی کردند زیر آن ورقه را امضاء کند. به همین خاطر امضای مصدق آخرین امضا و با قلم دیگری است.

اینجا يك سوال اساسی مطرح می شود و آن اینکه با اینکه مصدق به عنوان رئیس کمیسیون نفت چندان با ملی شدن نفت موافق نبود و سایر اعضای کمیسیون هم به دلیل خاستگاه طبقاتی و وابستگی به قدرت ها و دربار علی القاعده نباید با ملی شدن نفت موافق باشند سپهر چطور کمیسیون نفت روز 17 اسفند پیشنهاد مل شدن صنعت نفت را در صحن مجلس مطرح کرد؟

سوال بسیار دقیقی است و شاید تحلیل آن بسیاری از تاریکی های تاریخی را حل کند. شاید بهترین پاسخ به این سوال، تحلیل متن پیشنهاد مذکور است. در متن پیشنهاد چنین آمده است: نظر به اینکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون نفت قرار گرفته....

این متن نشان می دهد که پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت از خارج از کمیسیون نفت شده و واژه واصله این معنا را به خوبی روشن می کند.

بنابراین بهتر است حوادث بیرونی قبل از آن روز را مورد مطالعه قرار دهیم.

عرض کردم که بعد از بازگشت پیروزمندانه آیت الله کاشانی و ملی شدن صنعت نفت تبدیل به يك خواست ملی شد. علماً وارد صحنه شد. جالب این است که عبارت کمیسیون نفت قبل از آن درست در بیانیه ها علماً و آمده بود. شما به این عبارت آیت الله شاهرودی در بیانیه اش توجه کنید: جای هیچ گونه تردیدی نیست که کوتاه کردن دست اجانب از کشور و مسلمین و ملی نمودن صنعت نفت در سراسر کشور بر هر مسلمانی لازم و واجب است.

عبارت بیانیه آیت الله قمی شاید گویاتر باشد: چون آیت الله کاشانی در راس این نهضت مقدس قرار گرفته اند و کمال جدیت امر و قیام می فرمایند بر ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور راهی برای شبهه باقی نمی ماند.

ممکن است اقدامات آیت الله کاشانی را پس از بازگشت به ایران توضیح دهید؟

اتفاقا با اشاره به اقدامات آیت الله کاشانی نقش نیروهای مذهبی در ملی شدن صنعت نفت روشن تر می شود.

آیت الله کاشانی علاوه بر سخنرانی ها، اعزام مبلغ به شهرها، پیام به علما و مردم، چند کار مهم و تعیین کننده کرد. درست يك هفته بعد از ورود به ایران یعنی قبل از حکومت رزم آرا و درست در زمانی که قرارداد الحاقی در مجلس مورد بحث قرار گرفته بود، پیامی به مجلس فرستاد که این پیام توسط مصدق در 28 خرداد در مجلس قرائت شد. قبل از طرح ملی شدن در کمیسیون نفت یا صحن مجلس آیت الله در این پیام رسماً اعلام کرد که « مردم با هر قراردادی که قرارداد 1312 را تثبیت کند مخالف هستند.» آیت الله از طرف مردم اعلام کرد که: « نفت ایران متعلق به ملت ایران است و به هر ترتیبی که بخواهد نسبت به آن رفتار می کند و قرارداد غیرقانونی که با اکراه و اجبار تحمیل شود، هیچ نوع ارزش قضایی ندارد.»

بعد از روی کار آمدن رزم آرا و تلاش وی برای تصویب قرارداد الحاقی، آیت الله بیانیه ای صادر کرد که بازتاب گسترده ای در مطبوعات داخلی و خارجی داشت. آیت الله با برشمردن مصیبت های مردم تصریح کرد که: « ملی شدن صنعت نفت در ایران تنها چاره ی بیچارگی های ماست.» آیت الله در همین اطلاعیه با فتوای دینی خطاب به مردم گفتند: « ناچارم این آرزوی عمومی را يك بار دیگر بیان کنم تا با نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تامین صلح جهانی همه ی افراد مملکت بخواهند که صنعت نفت ایران در مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود.»

يك هفته بعد بود که کمیسیون نفت قرارداد الحاقی را رد کرد و آن را فاقد توانایی برای استیفاي حقوق ملت دانست. بعد از اینکه کمیسیون نفت قرارداد الحاقی را رد کرد آیت الله کاشانی بر اقدامات اجتماعی خود افزود. وی چندین تظاهرات بزرگ را در تهران ترتیب داد.

آیت الله با صدور اطلاعیه از مردم خواست تا اول دي برای درخواست ملی کردن صنعت نفت در مسجد شاه اجتماع کنند و این اولین اجتماع عظیمی می باشد که در آن سخنرانان و مردم خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند.

مجددا آیت الله يك هفته بعد را اعلام تظاهرات کرد. مردم عظیمی در میدان بهارستان اجتماع کردند

به قول حسین هیکل که آن روز شاهد آن تظاهرات بوده چنین گزارش کرده «صدای آیت الله کاشانی در تمام گوشه و کنار دنیا همچین می پیچد.» وی این تظاهرات را صد هزار نفر تخمین زد که مثل قضا و قدرالهی به سوی پارلمان پیش می رفتند و کاخ شاه به نیروهای انتظامی دستور داد در مقابل آیت الله استقامت نکنند.

مجددا آیت الله در ششم بهمن تظاهرات عظیمی را در مسجد شاه ترتیب داد که خواست سخنرانان و تظاهر کنندگان، ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بود.

مهمترین حمایت آیت الله از تظاهرات 11 اسفند فداییان اسلام بود که آیت الله با صدور اطلاعیه از مردم خواست تا در تظاهرات آنها شرکت کنند. در همین تظاهرات بود که سید عبدالحسین واحدی مرد شماره 2 به رزم آرا اتمام جهت کرد یا نفت باید ملی شود یا کشته خواهد شد.

شجاعانه ترین موضع گیری آیت الله روز بعد از قتل رزم آرا بود. با قتل رزم آرا خیلی ها وحشت کرده بودند و می خواستند به صورت موقت هم که شده خود را مخفی کنند ولی آیت الله يك روز بعد از قتل وي اعلام راهپیمایی کرد. این تظاهرات در جلوی مجلس در میدان بهارستان برقرار گردید و کمیسیون نفت در همان روز تصمیم خود را مبنی بر ملی شدن صنعت نفت اعلام کرد.

سرانجام تصمیم 17 اسفند کمیسیون نفت در روز 24 اسفند در مجلس طرح شد و ملی شدن صنعت نفت به تصویب رسید.

شاید تفسیر رادیو لندن توضیح بیشتری بر نقش آیت الله باشد. رادیو لندن با تفسیری بی ادبانه و با لحنی عصبانی همان شب اعلام کرد: این طرح توسط عده ای مرتجع همچین يك عده ملای متعصب که در رأس آنها سید ابوالقاسم کاشانی است پشتیبانی شده است.

عملیات قتل رزم آرا توسط فداییان اسلام چقدر اهمیت داشت و این عمل چه نقشی را ایفا کرد؟

طبق اسناد موجود انگلیس، دربار و شرکت نفت همه ی تلاش خود را متحد کرده بودند که لایحه ی الحاقی تصویب شود و هر سه نیرو رزم آرا را مرد این پیکار یافتند. رزم آرا تمام توان خود را به کار برد. طبق اسناد موجود همه ی کسانی که در این اواخر یعنی بهمن و اسفند 29 به این نتیجه رسیده بودند که باید نفت ملی شود به این نتیجه رسیده بودند که همه ی عوامل اجتماعی و زمینه ها برای ملی شدن صنعت نفت آماده شده و به اصطلاح مقتضی موجود است، ولی مانع هم موجود است و این تنها مانع باید برداشته شود و این تحلیل درست از کار در آمد و در همین مجلسی که کمیسیون نفت نمی توانست تصمیم بگیرد يك روز بعد از قتل رزم آرا کمیسیون تصمیم گرفت و خواستار ملی شدن صنعت نفت شد چون تنها از رزم آرا می ترسیدند.

جالب است بدانید که در اواخر آذر ماه یازده نفر از نمایندگان جبهه ملی و غیره طرحی را برای ملی کردن نفت تهیه و یازده امضاء جمع کردند ولی يك نفر دیگر در مجلس نبود که این طرح را امضا کند که قابل طرح در مجلس باشد، همین مجلس در 24 اسفند تقریباً به اتفاق آرا ملی شدن صنعت نفت را تصویب کردند، و این می تواند نشان دهد که رفتن رزم آرا چقدر نقش آفرین بود.

منبع :

<http://www.irdc.ir/fa/content/3140/default.aspx>